

عنوان مقاله:

ناهماهنگی مهاجر با سرزمین میزبان و پیامدهای روانی آن در رمان «سرزمین نوچ»

محل انتشار:

هفدهمین کنفرانس بین المللی زبان، ادبیات، فرهنگ و تاریخ (سال: 1402)

تعداد صفحات اصل مقاله: 11

نویسنده:

بیبا روحی بروجنی - دانش آموخته دکتری زبان و ادبیات فارسی

خلاصه مقاله:

ادبیات معاصر به ویژه رمان تحت تاثیر محورهای مهم اجتماعی، اقتصادی، روانشناسی و سیاسی قرار دارد و بازتاب دهنده این ابعاد در جامعه است. یکی از موضوعات مهمی که در این گونه ادبی منعکس می شود، مهاجرت است که به عنوان یکی از مطرح ترین پدیده های تاریخ بشر به ویژه عصر حاضر مورد توجه قرار گرفته است؛ از این روی شناخت تاثیرهای آن بر جوامع و تمدن ها ضروری به نظر می رسد. در این پژوهش سعی شده با توجه به دیدگاه های عبدالعلی لهسایی زاده، که خود مهاجرت را تجربه کرده، رمان «سرزمین نوچ» اثر کیوان ارزاقی با مضمون مهاجرت مورد تحلیل و بررسی قرار گیرد. وی مهاجرت را از ابعاد گوناگون اجتماعی فرهنگی، اقتصادی و روانشناسی بررسی کرده و معتقد است گروهی از مهاجران به راحتی جذب محیط جدید نمی شوند و به همین دلیل دچار غم غربت و مشکل روانی می شوند. هدف این پژوهش، بررسی و دریافت مسائل و مشکلات مهاجران از دیدگاه رماننویسان معاصر است. روش پژوهش در این مقاله، تحلیل محتوای کیفی جملاتی از داستان هاست که دارای مفهوم ناهماهنگی مهاجر با سرزمین مقصد و پیامدهای روانی مهاجرت است. ابزار گردآوری داده ها نیز اسنادی و کتابخانه ای است. یافته های پژوهش بیانگر آن است که ارزاقی در رمان «سرزمین نوچ» بعد روانشناسی مهاجرت و نارضایتی مهاجر را به شکل غم غربت و تاثیر آن بر سلامت فرد مهاجر مطرح می کند.

کلمات کلیدی:

مهاجرت، روانشناسی، ادبیات معاصر، رمان، سرزمین نوچ

لینک ثابت مقاله در پایگاه سیویلیکا:

<https://civilica.com/doc/1914980>

